

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: هیأت تحریریه سایت «۱۰ مهر»
فرستنده: علی مشرف
۱۳ می ۲۰۲۳

تحولات اخیر در خاورمیانه

(۲)



لبنان

در ۷ اپریل، نیروی هوایی اسرائیل در اقدامی به تلافی حمله راکتی حماس، جنوب لبنان را هدف قرار داد و بزرگترین تشنج بین اسرائیل و لبنان در تقریباً ۲۰ سال اخیر را رقم زد. حماس مورد حمایت حزب الله لبنان است. این بار عامل اصلی تشدید تشنجهای، اصرار شهرک‌نشینان افراطی یهودی به مراجعه به مسجد خلاف سنت دیرینه بود. پولیس اسرائیل از تاکتیک‌های وحشیانه‌ای علیه فلسطینی‌های نمازگزار استفاده کرد. وزارت خارجه امریکا حمله به اسرائیل را محکوم کرد و مطابق معمول اعلام نمود که اسرائیل حق دارد در برابر همه حملات از خود دفاع کند. سمیر جعجع، فرمانده نیروهای دست‌راستی مسیحی لبنانی (LF) و نزدیکترین سیاستمدار لبنانی به عربستان سعودی، این حمله را محکوم کرد و یکی دیگر از فرماندهان سابق این نیروها نیز خواستار دستگیری رهبر حماس شد. اسرائیل و ایالات متحده با بهره‌گیری از نیروهای ارتجاعی داخلی، همیشه از لبنان به‌عنوان صحنه‌ای برای جنگ‌های نیابتی استفاده کرده‌اند.

عربستان سعودی به‌طور سنتی از سیاستمداران سنی لبنان، مانند نخست‌وزیر فقید رفیق حریری و پسرش سعد حمایت می‌کند. اما سعد حریری پس از دستگیری و مصاحبه اجباری اش در تلویزیون عربستان سعودی از سیاست کناره گرفت. ایران در مقابل از حزب الله لبنان حمایت می‌کند. رقابت این دو نیروی عمده به‌همراه متحدین کوچک‌ترشان، صحنه سیاسی لبنان را دچار بحرانی طولانی نموده است.

توافق غافلگیرکننده بین ایران و عربستان سعودی که در ۱۰ مارچ امضاء شد، ممکن است گشایشی باشد برای آشتی سیاسی کلیدی در لبنان. قبل از این توافق، لبنان درگیر آخرین بحران سیاسی خود بود. از اکتوبر ۲۰۲۲ با خاتمه دوره رئیس‌جمهور قبلی، پست ریاست جمهوری خالی مانده، و هنوز هیچ نامزدی نتوانسته حمایت اکثریت اعضای پارلمان را - علی‌رغم رأی‌گیری‌های مکرر - جلب نماید. حزب‌الله از نامزدی سلیمان فرنجه مسیحی مارونی برای ریاست جمهوری حمایت می‌کرد. ریاض علناً از هیچ نامزدی حمایت علنی نکرد و به‌ظاهر اعلام نمود که لبنان باید مستقلاً تصمیم بگیرد.

مطابق قانون اساسی، نخست‌وزیر باید سنی، رئیس‌جمهور مارونی و رئیس مجلس باید شیعه باشد. از دهه‌ها قبل، دولت لبنان با سیاست‌های نوشته‌شده توسط سفیر ایالات متحده در لبنان اداره می‌شود. این سیاست‌ها علیه حزب‌الله، ایران، سوریه، و طرفدار اسرائیل است. ایران از حزب‌الله حمایت می‌کند زیرا آنها جنبش مقاومتی علیه اشغالگری اسرائیل در فلسطین، سوریه و منطقه مزارع شبعا در جنوب لبنان هستند.

کشور به دلیل نرسیدن سوخت به نیروگاه‌هایش دچار کمبود شدید برق است و پولی هم برای خرید سوخت در بساط نیست. در نومبر گذشته ذخیره سوخت جایگاه‌های بنزین در حال تمام شدن بود که ایران با نوع‌دوستی به‌نفع مردم لبنان پیشقدم شد. ایالات متحده به لبنان هشدار داد که در صورت پذیرفتن هدیه سوخت از سوی ایران، ممکن است مشمول تحریم‌های امریکا شود.

حیات اقتصادی لبنان وابسته به سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های خارجی است که عمدتاً شامل سرمایه‌گذاری‌های عربستان، امارات و کشورهای غربی می‌شود. بسیاری از این کشورها ادامه سرمایه‌گذاری‌هایشان را منوط به انجام پاره‌ای خواسته‌های سیاسی - اقتصادی در جهت منافع خود نموده‌اند.

بانک جهانی بحران اقتصادی لبنان را یکی از بدترین بحران‌های تاریخ توصیف کرده است که ناشی از سال‌ها سوءمدیریت رهبران سیاسی و فساد آنها بوده است. پول محلی بیش از ۹۹ درصد از ارزش خود را در برابر دلار امریکا از دست داده است و بانک‌ها هنوز سپرده‌های مردم را مسدود می‌کنند.

لبنان نزدیک به یک سال پیش با صندوق بین‌المللی پول موافقت‌نامه‌ای امضاء کرد، اما تا به حال پرداخت کمک مالی ۳ میلیارد دلاری این صندوق به‌بهانه عدم انجام اصلاحات ساختاری در نظام اقتصادی به تعویق افتاده است.

از هر ۱۰ کودک پناهنده لبنانی و سوری، چهار کودک در حال حاضر با ناامنی شدید غذایی روبه‌رو هستند و لبنان از نظر بحران کمبود مواد غذایی در رده ششم جهان قرار دارد. خانواده‌ها مجبورند وعده‌های غذایی خود را حذف کنند یا تعداد وعده‌های غذایی مغذی فرزندان خود را کاهش دهند.

بحران اقتصادی، اعتراضات خیابانی را در سال ۲۰۱۹ به‌همراه داشت که خواستار خروج سیاستمداران فاسد حاکم بود. در این بین از هر پنج خانوار، چهار خانوار عضوی داشتند که شغل خود را از دست داده بود. کاهش ارزش پول لبنان به این معنی است که افراد مسن مستمری‌بگیر، در حال حاضر در میان اقشار بسیار فقیر هستند و خوب غذا نمی‌خورند. حتی کسانی که شغل دارند، شاهد کاهش حقوق از سوی دولت و کارفرمایان خصوصی بوده‌اند. لبنان بیمارستان دولتی رایگان ندارد و هزینه‌های بیمارستان‌های خصوصی سرسام‌آور است. بسیاری از لبنانی‌ها در گذشته برای دریافت خدمات پزشکی رایگان به سوریه سفر می‌کنند. برق بسیاری از خانه‌ها قطع شده، گاز پخت‌وپز در دسترس نیست یا قیمت آن بسیار گران است، داروخانه‌ها داروهای لازم را ندارند زیرا تجار به دلیل کمبود دلار امریکا در بانک مرکزی لبنان، قادر به پرداخت هزینه واردات دارو نیستند.

ریاض سلامه، رئیس بانک مرکزی لبنان تحت حمایت سفارت امریکا است. او برای سال‌ها اطلاعات مالی گروه‌های مبارز فلسطینی و حزب‌الله را به مقامات امنیتی ایالات متحده می‌داد. حکم بازداشتی علیه سلامه صادر شده بود، اما او همچنان آزاد است و با داشتن حمایت خارجی، به‌نظر می‌رسد هیچ‌کس نمی‌تواند او را از سمت خود برکنار کند. وی توسط چندین کشور اروپایی به پولشویی و معاملات غیرقانونی متهم شده است. کارشناسان مالی بر این باورند که او با میلیارد‌ها سرمایه عمومی فرار کرده است.

بسیاری از جنگ‌سالاران و سیاستمداران دیگری نیز مشابه ریاض سلامه، که با فساد خود موجب فروپاشی کشور شده‌اند، هنوز در صحنه سیاسی حضور دارند (۶). وارد شدن چین به صحنه سیاسی لبنان، روزنه امید را برای رهائی از این بحران گشوده است.

وزیر خارجه چین وانگ یی طی دیداری که از لبنان داشت (جولای ۲۰۱۷) تصریح کرد که: لبنان کشور مهمی در مسیر جاده قدیمی ابریشم به‌شمار می‌آید و ما خواستار مشارکت لبنان در طرح یک کمربند یک جاده هستیم. جبران باسیل وزیر خارجه وقت لبنان هم درباره روابط اقتصادی دو کشور گفت: چین رتبه اول کشورهای صادرکننده به لبنان را دارد و ما خواهان افزایش مبادلات تجاری به‌ویژه در دو حوزه خدمات و فن‌آوری اطلاعات هستیم چرا که این دو حوزه، پتانسیل رشد بالایی در خود دارند. وی افزود: در این جلسه درباره مسأله نفت و گاز نیز مذاکراتی داشتیم و از شرکای چینی‌مان می‌خواهیم در این حوزه سرمایه‌گذاری داشته باشند. (۷)

عضو شورای مرکزی حزب‌الله لبنان نبیل قاووق در آخرین اظهارنظر حزب‌الله پیرامون تحکیم روابط با چین، گفت: "بیشتر کشورهای اروپایی در رفتن به سمت چین با هم رقابت می‌کنند و پیش از آنها، عربستان، امارات، مصر و دیگر کشورهای عربی تمایل خود برای نزدیکی به چین را نشان داده‌اند، چراکه آنها نسبت به منافع کشورهایشان و ملت‌هایشان اهتمام دارند. اگر لبنان منفعتی در رفتن به سمت شرق و چین داشته باشد، نباید تأخیر کند و کسی که موضع امریکا را بهانه می‌کند باید بداند که امریکا بزرگترین میزان مبادلات اقتصادی جهانی را با چین دارد. (۸)"

اسرائیل

جامعه اسرائیل دچار بحران شده است. این بحران در ظاهر به دلیل پیشنهاد دولت برای انجام تغییراتی در نظام سیاسی و قضائی است. دولت، قدرت دیوانعالی کشور را مانعی بر سر راه رسیدن به اهداف جاه‌طلبانه خود در اشغال بیشتر کرانه باختری می‌بیند. با تقلیل این قدرت، "قانونی" ساختن احداث آبادی‌های یهودی‌نشین به تعداد بیشتر در مناطق متعلق به فلسطینی‌ها در کرانه باختری بسیار آسان‌تر می‌شود. اما از دید بخش‌هایی از هیأت حاکمه، این اصلاحات موجب از میان رفتن سازوکاری می‌شود که به اشغال زمین‌های فلسطینی‌ها مشروعیتی قانونی و شکلی به‌ظاهر دموکراتیک می‌بخشد.

اصرار دولت به انجام این اصلاحات، آن را در تضاد با ایالات متحده قرار داده، که همواره حامی اصلی اسرائیل بوده و همیشه در راستای منافعش عمل کرده است. امریکا اسرائیل را تسلیح و حمایت مالی می‌کند؛ اما همیشه به حفظ افسانه وجود دموکراسی در اسرائیل و تعهد آن به ایجاد کشور فلسطین نیاز دارد. (۹)

شمار زیاد زنان و مردان تظاهرکننده چشمگیر است. شعار تظاهرات روشن و سراسر است: توقف اصلاح قانون که ائتلاف راست افراطی برتری‌طلبی که تازه به قدرت رسیده، در صدد تصویب آن است. حضور بخش‌هایی از نظامیان و کارکنان صنایع فن‌آوری اطلاعات که پیش‌رفته‌ترین بخش صنعت اسرائیل را تشکیل می‌دهند، در این تظاهرات بی‌سابقه است. اگر فردا این طرح به‌کلی رد شود، تظاهرکنندگان با شادمانی به "انجام وظیفه" خود ادامه خواهند داد - می‌توان

تصور کرد که حتی اگر طرح هم تصویب شود، اکثریت بزرگی از آنان همچنان به‌کار خود ادامه خواهند داد. برای برخی از آنها این "وظیفه" و "کار" به‌معنای سرکوب اعتراضات مردم فلسطین است. شایسته یادآوری است با وجود این اختلاف، هنگامی که به مستعمره‌سازی و حقوق فلسطینیان مربوط می‌شود، دیوان عالی در اکثر موارد در کنار مسئولان قرار دارد. کارل مارکس در شرح پیرامون ستم دولت بریتانیا بر مردم ایرلند و واقعیت همصدائی بخشی از طبقه کارگر بریتانیا با طبقه حاکمه در این امر، نوشت: "چه بدبخت ملتی، که ملت دیگری را به اسارت خود درآورد!". به اعتقاد وی آزادی کارگران بریتانیائی بدون آزادی و استقلال ایرلند امکان‌پذیر نبود. نکته‌ای که اکثریت بزرگی از تظاهرکنندگان اسرائیل متوجه آن نیستند. واقعیت این است که انحراف کنونی نتیجه منطقی ده‌ها سال اشغال، غصب و انکار فلسطینی‌هاست.

مسلم است که بخش کوچکی از این جنبش با اشغال مخالف است و پرچم فلسطین را بالا می‌برد، هرچند علاوه بر مقامات، اکثریت تظاهرکنندگان نیز آن را ممنوع کرده‌اند. درحالی که تسلط یک دولت بر همه سرزمین‌های واقع میان بحیره مدیترانه و رود اردن از منظر حقوق بین‌الملل هم غیرقانونی است. وقتی خواست دموکراسی فقط منحصر به یهودیان شود، نیمی از جمعیت نادیده گرفته شده و در واقعیت از آپارتاید حمایت کرده‌ایم.

سرمقاله‌نویس روزنامه هارتس (۲۳ مارس ۲۰۲۳)، گیدئون لوی بخوبی ماهیت جنبش کنونی را درک کرد. او خطاب به هموطنان خود، چنین نوشت: "به اعتراض سخت خود ادامه دهید، هرچه از دست‌تان بر می‌آید برای سرنگون کردن این حکومت نامطلوب انجام دهید، ولی بیهوده از نام دموکراسی استفاده نکنید. شما برای دموکراسی مبارزه نمی‌کنید. شما برای حکومت بهتری از دیدگاه خودتان مبارزه می‌کنید. ... مبارزه بجای است، اما اگر شما دموکرات واقعی بودید، برای دولت و کشوری دموکراتیک مبارزه می‌کردید، چیزی که اسرائیل نیست و شما نیز به دنبال آن نیستید. (۱۰)" حمله چندصد نفر شهرکنشین به روستای فلسطینی حواره در روز یکشنبه ۲۹ جنوری ۲۰۲۳ و به‌ویژه اظهارات "بتسلئیل سموتریچ" وزیر امور مالی در تشویق جماعت به «ویران کردن حواره»، اسرائیل را تکان داد. به‌خصوص که به موازات آن، ایتمار بن گویر، وزیر مسئول امنیت داخلی از پولیس می‌خواهد که معترضان را سرکوب کند. از این‌رو، تظاهرات ماه فیروزی با شرکت تظاهرکنندگان بیشتر و نیز با خشونت‌های فزاینده نسبت به آنان روبه رو شد. واقعه حواره همچنین شکاف میان سرمداران اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند. از دید کلی، دو قشر بورژوازی بر اقتصاد اسرائیل حاکمند: قشر نخست، شامل صاحبان مؤسسه‌های فن‌آوری جدید، مجتمع‌های نظامی - صنعتی و سیاستمداران "لیبرال" است، در حالی که دومی به اشغال زمین‌های فلسطینی‌ها و تداوم آن وابسته است. هرچند که دیوار مستحکمی میان این دو قشر وجود ندارد، ولی برای قشر اول، وجهه بین‌المللی اسرائیل مهم است، زیرا که به مبادلات اقتصادی با جهان نیاز دارند. به این ترتیب، زیاده‌روی‌های مکرر وزیران نژادپرست حکومتی که به نهادهای دموکراسی یهودی هجوم می‌برند و انزجار بین‌المللی از تصویرهای حواره، موجب شده که این نخبگان اقتصادی و نظامی در صف اول اعتراض‌ها قرار گیرند تا چهره اسرائیل مدعی دفاع از آزادی‌ها را به نمایش گذارند. (۱۱)

پاکستان

پاکستان همیشه به‌عنوان دولتی فرمانبردار در معادلات سیاستمداران امریکائی به‌حساب می‌آمد. اما بعد از وقایع یازده سپتمبر مسئولین سیاست خارجی ایالات متحده، این کشور را به‌عنوان متحد غرب در جنگ علیه تروریسم، در جبهه اصلی مبارزه با القاعده و طالبان قرار دادند. یکی از شروط هفت‌گانه‌ای که واشنگتن برای دولت پاکستان تعیین کرد، استفاده بلاشرط از این سرزمین برای پرواز هواپیماهای جنگی و فرود بلامانع آنها در هر نقطه از آن بود. ایالات متحده

عملاً با این شرط حاکمیت دولت پاکستان را خدشه‌دار کرده و صاحب چهار پایگاه دیگر در آن کشور شد. شرط دیگر، الزام دولت پاکستان به سرکوب هرگونه تظاهرات مردم پاکستان در حمایت از طالبان و القاعده بود (۱۲).

نتیجه پیوستن پاکستان به ائتلاف "جنگ علیه تروریسم"، ۸۰ هزار کشته، ۱۰۰ میلیارد دلار خسارت اقتصادی و بی‌ثباتی روز افزون برای کشور بود. تابه حال بیش از ۴۰۰ حمله پهلادی توسط ایالات متحده از سرزمین پاکستان صورت گرفته که علاوه بر کشتن شمار بسیاری از مردم بیگناه، خسارات حملات تلافی‌جویانه را نیروی‌های نظامی و امنیتی پاکستان دادند. (۱۳)

با اوج‌گیری نفرت مردم پاکستان از نیروهای نظامی امریکا و جنایت‌هایی که افراد ساکن پایگاه‌های امریکا علیه مردم پاکستان مرتکب شدند، امریکا به‌مرور ناچار به ترک پایگاه‌های خود در کشور شد. خلاف رفتار سنتی واشنگتن با پاکستان که یادآور رفتار حاکمی امپریالیستی با زیردستان خود است، چین همیشه در رابطه خود با پاکستان اصول احترام متقابل به حاکمیت کشورها را حفظ کرده است. پاکستان از زمان استقلال خود، رابطه نزدیکی با چین داشته است. عارف علوی رئیس‌جمهور پاکستان درباره روابط دو کشور می‌گوید: "پاکستان و چین در دهه‌های گذشته از روابط دوستانه‌ای همراه با حمایت و کمک متقابل برخوردار بوده‌اند و این همکاری‌های دوجانبه به‌طور فزاینده‌ای در تمامی زمینه‌ها افزایش یافته است." در سال‌های اخیر نیز دو کشور آمادگی خود را برای تقویت روابط دوجانبه و بهبود همکاری در زمینه‌های نوظهور مانند فن‌آوری اطلاعات، تجارت الکترونیک و اقتصاد دیجیتال اعلام کرده‌اند. (۱۴)

کریدور اقتصادی چین و پاکستان شامل پروژه‌هایی در زمینه‌های حمل‌ونقل، انرژی، ساخت بندر، همکاری صنعتی و حتی توسعه بخش اجتماعی است و ۶۲ میلیارد دلار در آن سرمایه‌گذاری شده است. این طرح نه تنها به نفع چین و پاکستان بلکه حتی به نفع افغانستان و کشورهای محصور در آسیای مرکزی است. این طرح که از سال ۲۰۱۳ آغاز شده، بخشی از ابتکار یک کمربند و یک جاده چین است. راه‌اندازی این کریدور «برادری آهین» اسلام‌آباد و بیجینگ را تحکیم کرده و می‌تواند باعث تقویت روابط سیاسی و همکاری دفاعی میان آنها شود. اجرائی شدن این طرح هم‌زمان به افزایش همکاری‌های امنیتی و مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی نیز خواهد انجامید. (۱۵) کوشش‌های غرب برای جلوگیری از این‌گونه همکاری‌های پاکستان با چین و همین‌طور با روسیه را در توطئه برای خلع عمران خان، به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. عمران خان که از سال ۲۰۱۷ نخست‌وزیر پاکستان بود، در اپریل سال ۲۰۲۲، با رأی عدم اعتماد از قدرت کنار گذاشته شد. خلاف نظرات دشمنان که دلایل اصلی خود در مخالفت با عمران خان را افزایش نرخ تورم و ریاضت‌های اقتصادی تحمیلی بر مردم عنوان می‌کنند، واقعیت‌های میدانی بر عوامل خارجی و داخلی دیگری اشاره دارند:

• ایالات متحده پایگاه‌های قبلی خود در این کشور را به‌تدریج از دست داده و به‌خصوص بعد از پایان حضور نظامی‌اش در افغانستان، نیاز بسیاری به داشتن پایگاهی در آن ناحیه احساس می‌کرد. امریکا بارها تلاش کرد که از دولت پاکستان اجازه ایجاد دوباره پایگاه‌های نظامی را به دست آورد، که مکرراً با جواب رد عمران خان روبه‌رو شد. فشارهای اقتصادی و امنیتی بسیار بر دولت عمران خان معلول این عدم توافق بود. سنگ‌اندازی در اعطای وام از طرف بانک جهانی و ایجاد مشکلات در احداث خط لوله گاز از ایران را نیز باید جزو این عکس‌العمل‌ها دانست.

• بعد از شروع عملیات ویژه روسیه در اوکراین، و تحریم‌های غرب علیه صادرات نفت و گاز روسیه، عمران خان سفری به مسکو داشت و طی مذاکراتی توانست قول فروش نفت را با قیمت‌های ترجیحی از مقامات دولت روسیه بگیرد. عمران خان در مقابل اعلام کرد در مناقشه میان روسیه و اوکراین، پاکستان موضعی بی‌طرفانه دارد. این نظر عمران خان در تقابل کامل با سخنان فرمانده ارتش پاکستان قمرجاوید باجوہ قرار گرفت، که در دیدارش با زلمی

خلیل‌زاد به‌صراحت اعلام کرد که حمله روسیه به اوکراین باید هرچه سریع‌تر متوقف شود. ارتش پاکستان دستی قوی در سیاست این کشور دارد. ارتش در طول سالیان گذشته بارها قدرت را در دست گرفته و دولت‌ها در این زمینه تابع ارتش بوده‌اند. تلاش عمران خان برای تعویض فرمانده ارتش، عامل تحریک و حمایت ضمنی ارتش از عزل دولت او بود.

• سفر عمران خان به روسیه با مخالفت شدید دولت‌های اروپای غربی و ایالات متحده روبه‌رو شد. سفرای کشورهای اروپایی نیز در اقدامی کاملاً مخالف عرف دیپلماتیک، علناً در حضور خبرنگاران، موضع عمران خان در مناقشه اوکراین را مورد سؤال قرار دادند. طبق برخی گزارش‌ها سفیر امریکا در پاکستان به مقامات سیاسی این کشور گفته بود که اگر عمران خان از سمت خود کنار رود روابط دو کشور به حالت عادی برخواهد گشت و چنانچه وی پیروز شود، پاکستان منزوی شده و دوران سختی را در پیش روی خود خواهد داشت. کریگ موری دیپلمات سابق بریتانیا طی توثیقی نوشت، کودتای سازمان سیا علیه عمران خان، به دلیل مخالفت او با عملیات پهنادهای امریکائی از داخل خاک پاکستان بوده است. (۱۶)

ایجاد خلأ سیاسی و تشدید درگیری‌های سیاسی - نظامی، ستراتیژی سیاست بی‌ثبات‌سازی امریکا در منطقه است. این ستراتیژی در مورد پاکستان با همراهی برخی نیروهای داخلی، منجر به بی‌ثباتی سیاسی در این کشور شد. کشور با ۲۸۰ میلیون جمعیت در موقعیت اقتصادی و سیاسی بسیار بدی به‌سر می‌برد. بانک جهانی اکنون در پرداخت قسط ۵/۱ میلیارد دلاری که برای پاکستان اهمیتی حیاتی دارد، عمداً تعلل می‌کند و پرداخت آن را به‌صورتی تلویحی به هم‌نوایی با غرب در مخالفت با روسیه و دور شدن از چین منوط کرده است. البته وجود روابط عمیق و دیرینه میان جمهوری خلق چین و پاکستان، و بحران اقتصادی گریبان‌گیر کشور، چندان جای مانور زیادی برای دولت بعد از عمران خان در نزدیکی به غرب باقی نمی‌گذارد. جان کری یاکو افسر سابق سازمان سیا، خاطره‌ای از یکی از افسران بلندپایه ارتش پاکستان نقل می‌کند، وقتی کری یاکو از او در مورد تعداد زیاد بنرهای تبلیغات دولتی درباره دوستی میان چین و پاکستان در خیابان‌های کراچی سؤال می‌کند، افسر در جواب می‌گوید: "آنها [چینی‌ها] تنها دوستانی هستند که ما را هیچگاه تنها نگذاشتند"، و این نظر عضوی از ارتشی است که امریکا در آن زمانی نفوذی بی‌چون‌وچرا داشت. پاکستان همیشه سیاست چین واحد را دنبال و از مواضع چین در مورد منافع اصلی خود در مسائل تایوان، هانگ کانگ و شین جیانگ حمایت کرده است. پاکستان و چین در مورد مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای عمدتاً دیدگاه‌های یکسانی داشته و پاکستان با هرگونه تلاش نیروهای خارجی برای مهار توسعه چین مخالف است. اما فشار غرب هنوز ادامه دارد. در یکی از اسناد محرمانه پنتاگون و سازمان سیا، که اخیراً به‌طرز مشکوکی افشاء شده، از کمک تسلیحاتی اخیر پاکستان به ارتش اوکراین سخن می‌رود. با وجود تلاش برای حذف عمران خان از صحنه سیاسی و اقدام مکرر برای ترورش، او و طرفدارانش در حزب "تحریک انصاف (PTI)" به مبارزه برای برگزاری انتخاباتی زودرس ادامه می‌دهند.

ادامه دارد

زیر نویس ها:

۶- <https://www.globalresearch.ca/the-israeli-attack-on-south-lebanon-and-al-aqsa/>

[5816051crisis/](https://www.globalresearch.ca/the-israeli-attack-on-south-lebanon-and-al-aqsa/)

۷- "چین و لبنان: اقتصاد زمینه اصلی روابط" به نقل از ایرنا به تاریخ ۴ تیر ۱۳۹۶

۸- همان منبع زیر نویس ۴

۹- Israel and the contradictions of Zionism (socialistworker.co.uk)

۱۰- "اسرائیل. بحران سیاسی، دموکراسی، مستعمره سازی"، لوموند دیپلماتیک فارسی.

[۲۵ljcpehttps://tinyurl.com/](https://tinyurl.com/۲۵ljcpe)

۱۱- "جنبش اعتراضی در چالش با اشغالگری"، لوموند دیپلماتیک فارسی. [۸۴xvcfchttps://tinyurl.com/](https://tinyurl.com/۸۴xvcfc)

۱۲- به زیر نویس شماره ۲ مراجعه شود.

۱۳- [w۷۵aJKhttps://www.youtube.com/watch?v=qnbl](https://www.youtube.com/watch?v=qnblw۷۵aJK)

۱۴- <https://persian.cri.cn/۲۰۲۲/۰۴/۰۵En۷VrmxG۴sNjaqOaGIr۸/ARTI۲۰۲۲/۰۴/۰۵.shtml>

۱۵- "کریدور اقتصادی چین و پاکستان و پاسخ هند"، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، به نقل از اوراسیا ریویو

۱۶- "پنج دلیل فروپاشی دولت عمران خان" - خبرگزاری مهر، ۱۷ فروردین ۱۴۰۱